

تاب آوری کودکان و نوجوانان

(بررسی پژوهشی میزان تاثیرات عوامل فردی، خانوادگی و محیطی بر ایجاد تاب آوری)

مفاهیم پیرامون حوزه تاب آوری

دیدگاه‌های پیرامون تاب آوری نشانه‌ها و علائم، عوامل و فاکتورها و نیز ساز و کارها و مکانیسم‌های مختلف و متعددی دارند که با ساختارهای نظری واندیشه‌ای در اشتراک و ارتباط می‌باشند. نویسندگان زیادی از واژه مسیر یا جهت و مسیرهای پیچیده و در هم تنیده و متفاوتی بهره برداری می‌نمایند که کارکرد و یا عملکرد آنها را در طی زمان خلاصه می‌نماید. (والش ۱۹۹۸ روتر ۱۹۹۹ و گلیگان ۲۰۰۱ و پرلیتینسکی و همکاران ۲۰۰۱ و ویلیامز و همکاران ۲۰۰۱ و دهان و همکاران ۲۰۰۲)^۱ از منظر دیدگاه‌های رشد یک مسیر و یا یک جهت می‌تواند در زمانی که شرایط منجر به پیشرفت‌های پایین‌تر از حد انتظار و یا به طور کلی عقب‌گرد و پس رفت شود، منفی قلمداد گردد. مسیرهای مثبت در زمانی که فرد و یا یک خانواده یا کلاً افراد و خانواده‌ها بر شرایط دشوار و سخت فائق می‌آیند و یا این که از آن حوادث و بلایا و شرایط سخت بازگشت و احیاء موفقیت آمیزی دارند رخ می‌دهد و می‌تواند به آن اشاره داشته باشد. نکات چرخشی و یا نکات عطف و برهم زننده و یا برعکس کننده و یا خلاف جهت نمایانگر زمان‌هایی هستند که یک مسیر مشخص و تعیین شده تغییر جهت می‌دهد مثل مواردی که یک تغییر محیطی و یا مداخلات افراد حرفه‌ای و یا افراد درگیر در کار یک فرد و یا یک خانواده را برای شروع یک روند مثبت و یا در مسیر مثبت قرار گرفتن قادر و توانمند می‌-

1) Walsh, 1998; Rutter, 1999; Gilligan, 2001; Prilleltensky et al., 2001; Williams et al., 2001; de Haan et al., 2002(

نمایند. (کوپن تن و روتر ۱۹۹۸ گلیگان ۲۰۰۱ و شوفیلد ۲۰۰۱)^۱. هم چنین خاطر نشان می- شود که برخی از اوقات یک تجربه مطلوب و خوب و یا تجربه جبران کننده و تلافی کننده و ما به ازای می تواند زنجیره‌ای از اثرات (تاثیر چرخه‌ای) را به وجود آورد. (روتز ۱۹۸۵)^۲. مثلاً در زمانی که دستمزدهای موقع شروع کار باعث منافع و مزایای عملی و احساسی برای مادران تنها با میزان درآمد کم و پایین می‌گردد. (مناگان ۱۹۹۷)^۳.

بسیاری از نوشته‌ها و آثار و یا به طور کلی تالیفات در خصوص تاب‌آوری خانواده بر اساس نظریه فشار، سازگاری و حمایت استوار هستند و این به طور خاص در ارتباط با خانواده-ها می‌باشد. استرس یا فشار روانی به منبع سختی یا پیچیدگی و دشواری (عامل استرس زا) و یا خود اثرات کلی آن (فشار و استمرار و دامنه نفوذ و اثرگذاری شدید و جدی و فراگیر آن) اشاره دارد. هم چنین در این خصوص بحث وجود دارد مبنی بر این که تطبیق و یا سازگاری با یک عامل استرس و فشار و یا خود عامل بحران و فاجعه می‌تواند در واکنش‌های خانواده‌ها بر عوامل استرس‌های متعاقب یا بعدی هم تاثیر گذار باشد. فشارهای قبلی و یا عوامل و یا خود استرس‌های قبلی حل نشده و یا رفع نشده مربوط به بلایا، حوادث و فاجعه‌ها، آلام و مصائب گذشته و یا مرحله اولیه و آغازین یک جریان می‌تواند آنها را در یک سطح وارد نماید و تلاش-ها و اقدامات برای فرآیند تطبیق و سازگاری را متاثر سازد و از آن جلوگیری نماید. (ام سی کابین و همکاران ۱۹۹۶ و شوفیلد و همکاران ۲۰۰۰)^۴.

1) Quinton and Rutter, 1988; Gilligan, 2001; Schofield, 2001(

2) Rutter, 1985(

3) Menaghan, 1997(

4) McCubbin et al., 1996; Schofield et al., 2000(

هم چنین یک شمار گسترده‌ای از ادبیات تحقیقاتی موجود در حوزه تطبیق و سازگاری وجود دارد برای نمونه تمایز و تفاوت در خصوص سبک‌ها و مدل‌های تطبیق و سازگاری که بر حل مساله و یا در مواجهه و رویارویی با اثرات احساسی آن عامل فشار واسترس وجود دارند. (لازاروس و فالکمن ۱۹۸۴)^۱. یک استراتژی بسیار مهم و برجسته در خلال رویکردهای تاب‌آوری به شکل گونه دیگر به آن نگرستن و یا آن را در شکل یک موضوع و مطلب دیگر دیدن خود را نشان می‌دهد: تغییر ادراکات و شناخت‌ها در جهت مثبت با در نظر گرفتن شرایط بغرنج و دشوار که آن را به عنوان یک چالش و یا اینکه آن را یک فرصت ببینیم خود را نشان می‌دهد. (والش ۱۹۹۸ و نیومن ۲۰۰۴)^۲.

شواهدی در خصوص تاب‌آوری کودکان و نونهالان و جوانان

برای شناخت و فهم آن قسمت و بخشی که والدین در ارتقا و بهبود (و یا جلوگیری و توقف) تاب‌آوری در کودکان را دارند مشاهده و ملاحظه شواهد در خصوص ظرفیت‌ها و فرآیند-هایی که با آن والدین و دیگران می‌توانند نقش کمک کننده داشته باشند، بسیار سودمند و مفید می‌باشد.

سنجش تاب‌آوری کودکان بسیار دشوار است. طیف وسیعی از سنج‌ها با این که به وجود آمده‌اند و شکل گرفته‌اند اما با این وجود نواقص و نارسایی‌ها و کمبودهایی را از خود نشان می‌دهند. پرسش نامه‌های و یا چک لیست‌های خاص و مهم و برجسته هرچند به وجود آمده‌اند اما با این وجود آنها به عنوان ابزارهای تحقیقی در نظر گرفته نمی‌شوند. (راک و پترسون

1) Lazarus and Folkman, 1984

2) Walsh, 1998; Newman, 2004(

۱۹۹۶م سی کوید و اهرن ریچ (۱۹۹۷)^۱. با این وجود پروژه تاب‌آوری بین‌المللی یک نمایه و چک لیست از اظهارات و بیانات و نقل قول‌ها را که نشان‌دهنده ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در کودکان می‌باشد را فراهم آورده است که شامل مواردی می‌باشد که به طور مستقیم در ارتباط با نقش والدین برای نمونه کودک می‌تواند بر خانواده خود در هنگام نیاز و ضرورت تکیه نماید. (گراتبرگ (۱۹۹۷)^۲.

در یک مقیاس وسیع‌تر ابزارهای پیمایشی نیز به کار گرفته شده‌اند. موسسه ای با عنوان سرچ (یعنی پژوهش و تحقیق) در میانوپولیس (بنسون ۱۹۹۷)^۳ از مفهوم سرمایه‌ها برای توصیف ویژگی‌های درونی و بیرونی که به عنوان عامل تجمعی شباهت برآیندها و پیامدهای بهتر را افزایش می‌دهند را توصیف نموده است. هدف این کار بر اقدامات و فعالیت‌ها در سطح مدرسه و اجتماع می‌باشد هر چند چک لیست‌ها حاوی برآیندها و موارد زیادی می‌باشند که در ارتباط با نقش والدین و نیز کیفیت روابط خانوادگی می‌باشند.

هم‌چنین دیگر مطالعات و تحقیقات نیز به طور گسترده‌ای از ابزارهای تحقیقاتی از رویکردهای حوزه رشد، آموزشی، آسیب‌شناختی-روانی و حوزه مخاطرات استفاده نموده‌اند و شاید اینها توسط اندیشه پردازی و حوزه نظری تاب‌آوری اصلاح یافته و یا گسترش یافته‌اند. هم‌چنین از دیدگاه‌های رایج بوم‌شناختی آنها متأثر می‌شوند و ابعاد مورد نظر شبیه به آن دسته از موادی می‌باشد که در بریتانیا برای مراقبت از کودکان و چارچوب‌های سنجش

1) Rak and Patterson, 1996; McQuaide and Ehrenreich, 1997(

2) Grotberg, 1997.(

3) Benson, 1997(

یکپارچه از قبیل سلامت، رفتار، خود ارزشی استفاده می‌شود. (وارد ۱۹۹۵ هورواث ۲۰۰۱ و ورد و رز ۲۰۰۲).^۱

با توجه به تفسیرهایی که در خصوص چنین پژوهش‌هایی صورت گرفته است (مستن و کوست ورت ۱۹۹۸)^۲ خاطر نشان می‌سازند که :

تاب‌آوری کودکان به نظر نمی‌رسد که واجد کیفیات رمزآلود و عجیب و غریب و یا این که منحصر به فرد باشد بلکه آنها منابع مهم و برجسته‌ای را که نشانگر سامانه‌های اساسی حمایتی در رشد انسان می‌باشد را حفظ و نگهداری کرده و آنها را تضمین می‌نمایند. (مستن و کوست ورت ۱۹۹۸ صفحه ۲۱۲).^۳

طیف گسترده‌ای از عوامل که به نظر می‌رسد در این سه سطح گروه بندی شده باشند نیز مشخص گردیده‌اند (گارمزی ۱۹۸۳ و ۱۹۹۳ وارنر و اسمیت ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و روتر ۲۰۰۰ و السون و همکاران ۲۰۰۳).^۴

فردی یا درونی مثلا هوش و جنسیت

خانواده مثلا کیفیت روابط و انسجام

اجتماع و تشکلات مثلا سطح حمایت اجتماعی

والدین به طور طبیعی در ارتباط با عوامل خانوادگی مهم قلمداد می‌شوند اما آنها نقش بارزی در تسهیل عوامل فردی و اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم دارند. پژوهش‌های

1) Ward, 1995; Horvath, 2001; Ward and Rose, 2002.(

2 Masten and Coatsworth (1998

3) Masten and Coatsworth, 1998, p. 212(

4) Garmezy, 1983 and 1993; Werner and Smith, 1992 and 2001; Rutter, 2000; Olsson et al., 2003; see the Appendix

صورت گرفته توسط دانیل و همکاران (دانیل و همکاران ۱۹۹۹ و دانیل و واسل ۲۰۰۲) و ۲۰۰۲ بی و ۲۰۰۲ سی و دانیل ۲۰۰۳)^۱ نشانگر آن است که تعامل آن عوامل سخت و پیچیده و نیز عوامل حمایتی و حفاظتی هم به صورت درونی و هم به صورت بیرونی برای درجه و میزانی از آسیب پذیری و یا تابآوری که توسط کودک بروز داده شده است، در نظر گرفته می‌شود. تابآوری هم به نظر می‌رسد که تا اندازه ای به میزان آنچه که کودکان قادرند از آن عوامل در دسترس آنها برای بهره وری و نیز به کارگیری استفاده نمایند، در ارتباط می‌باشد. این ظرفیت و توانمندی نیز می‌بایست متاثر از روابط مثبت حمایت محور و مراقبت محور باشد. عملکرد عوامل درونی و بیرونی و نیز فرآیندها، نباید به طور جداگانه مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که کودکان در میزان توانایی و ظرفیت خود در استفاده از منابع خارجی متفاوت می‌باشند، در حالی که خود محیط نیز یک عامل اثرگذار در میزان شایستگی و استحقاق و نیز توانمندی کودکان و نیز مهارت‌های تطبیقی و سازگاران آنها در نظر گرفته می‌شود. (دانیل و همکاران ۱۹۹۹ و گلیگان ۲۰۰۱)^۲. والدین هم چنین می‌توانند کودکان را از اثرات سوء محیطی در امان نگه دارند و از آنها حفاظت و صیانت به عمل آورند. همچنین می‌توانند خصایص و ویژگی‌هایی را در کودکان تقویت و نهادینه نمایند و به آنها در زمینه تطبیق و سازگاری با مشکلات و معضلات هم کمک کنند.

در برخی از مواقع عوامل مرتبط با والدین نیز می‌توانند به طور مستقیم بر میزان شدت شرایط وخیم، سخت و خطرناک (مثلا در زمینه سوءاستفاده و یا فراموشی و غفلت) و یا اینکه به طور غیر مستقیم (مثلا در تعارض و تناقض و عدم همسانی و هم گونی والدین و نیز

1) Daniel et al., 1999; Daniel and Wassell, 2002a; 2002b, 2002c; Daniel, 2003(

2) Daniel et al., 1999; Gilligan, 2001

مصرف الکل) اثر بگذارند. کودکان در چنین شرایطی در معرض خطر عمده و فزاینده‌ی پیامد-ها و نتایج منتج به فقر می‌گردند و نیز شواهدی هم در مورد عوامل ارتقاء دهنده و بهبود دهنده تاب‌آوری تحت چنین شرایطی که در زیر آورده شده است، وجود دارد مثل عوامل فردی، خانوادگی و محیطی

عوامل فردی و درونی

عوامل خاصی که برای ارتقاء تاب‌آوری در نظر گرفته می‌شوند به طور نسبی غیر قابل تغییر هستند بنابراین در معرض تاثیرات والدین فارغ از وراثت ژنتیکی در نظر گرفته نمی‌شوند. چنین عواملی شامل جنسیت و بهره‌هوشی می‌باشند. آی کیوی بالا (ضریب هوشی بیشتر از حد متوسط) به لحاظ شمار زیاد عوامل بغرنج و خطرناک و یا دشوار خود یک عامل تاب آور در نظر گرفته می‌شود. (فرگاسن و لینس کی ۱۹۹۶ و گلیگان ۲۰۰۱)^۱. هوش عمومی یا همگانی اغلب به طور نسبی به عنوان یک ثابت پایدار برای یک فرد در نظر گرفته می‌شود هر چند برای حصول منافع و مزایای قابل توجه و عمده که می‌بایست در واکنش به شرایط خوب و مساعد و یا مناسب تربیتی و رشد و نمو در زمانی که ظرفیت و یا توانایی هوشی و عقلی ایجاد شود، آن امکان پذیر می‌گردد. (روتتر و روتر ۱۹۹۳ و کلارک و کلارک ۲۰۰۳)^۲.

همچنین یک همگرایی و توافق کمی در خصوص جنسیت و تاب‌آوری وجود دارد. برخی از مطالعات نشانگر آن هستند که دختران و پسران در برخورد با مخاطرات و ریسک‌ها و نیز شرایط دشوار و بغرنج، میزان مواجهه و رویارویی متفاوتی دارند (نوماکی ۱۹۹۶)^۳. با این وجود

1) Fergusson and Lynskey, 1996; Gilligan, 2001(

2) Rutter and Rutter, 1993; Clarke and Clarke, 2003.(

3) Punamaki, 1996

حتی زمانی که پسران و دختران حوادث مشابه بغرنج و سخت را هم تجربه می کنند یافته‌ها حاکی از آن است که یک الگوی پایدار و ثابت در ارتباط با این که آیا یک جنسیت نسبت به دیگر جنسیت تاب‌آوری بیشتری دارد وجود ندارد. (هابرد و همکاران ۱۹۹۵ و همودس ۲۰۰۰).^۱ برخی از پژوهش‌ها در خصوص تفاوت‌های جنسیتی چیزی را گزارش نکرده‌اند (سامروف و همکاران ۱۹۹۹).^۲ دیگران در این خصوص نیز واکنشهای متفاوتی را نسبت به شرایط بغرنج و دشوار که بیشتر اختلالات و دشواریها و نگرانی‌ها و میزان افسردگی را در دختران نشان داده‌اند و اختلالات نقص توجه نیز بیشتر در مورد پسران رایج و مشترک است. استین هور ۱۹۹۶ گوق ۱۹۹۹ تیترون و همکاران ۲۰۰۲).^۳ یافته‌های خاصی هم چنین نشانگر آن هستند که دختران تاب آور، بیشتر استقلال و خودرایی از خود نشان می‌دهند و پسران تاب آور، به طور احساسی بیشتر خود را نشان می‌دهند و هم چنین از نظر اجتماعی هم بسیار گیرنده تر و باادراکتر و بهره ورتر و مولدتر هستند. (بومن ۲۰۰۲).^۴ والدین هم چنین در جایگاهی قرار دارند که این خصایص و ویژگی‌ها را در کودکان بیشتر تشویق و ترغیب می‌نمایند.

در میان دیگر عوامل داخلی ملایم و منعطف‌تر این عوامل وجود دارند (گلیگان ۱۹۹۷

۲۰۰۱ و پوتر ۱۹۹۹ و شاپیرو و لوندوسکس ۱۹۹ و بنارد ۲۰۰۴):^۵

1) Hubbard et al., 1995; Hodes, 2000

2) Sameroff et al., 1999(

3) Steinhauer, 1996; Gough, 1999; Titterton et al., 2002(

4) Bauman, 2002

5) Gilligan, 1997, 2001; Rutter, 1999; Shapiro and Levendosky, 1999; Benard, 2004(

✓ امنیت احساسی (حس امنیت داشتن احساس محور) و سبک و مدل دل بستگی

و شور و شوق

✓ خود ارزشی (ارزش و بها برای خود قائل شدن)

✓ خود باوری (اعتماد به موثر و اثرگذار بودن خود)

✓ خود اثر بخشی (شناخت و فهم نکات قوت و محدودیتها)

✓ شایستگی اجتماعی

✓ هدفمندی

✓ استقلال؛ هم چنین به عنوان هسته اصلی کنترل در نظر گرفته می شود.

✓ ظرفیت و توانمندی حل مسائل

✓ شایستگی و توانمندی های برنامه محور و نظام مند (هدف واضح داشتن و

نیز یک استراتژی سامان دهی شده برای حصول آنها)

✓ خنده و شادی و حس بذله گویی

هریک از این موارد به طور کلی و اساسی برای تغییر توسط والدین و کودکان مهم و

برجسته به نظر می رسد. مراقبت های مهم و حمایت محورانه و حساس و با درجه اهمیت بالا

به نظر می رسد که به طور برجسته و مهمی (فزاینده ای) برای طیف گسترده ای از این

وضعیت ها و کیفیت ها خصوصا آنهایی که در ارتباط با ایمنی و امنیت و اعتماد به نفس و نیز

اعتماد به دیگران می باشد، مورد لحاظ قرار می گیرند. (وارنر و واسمیت ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و هوو

۱۹۹۵ و همکاران ۱۹۹۹).^۱ نویسندگان متعددی هم بر این نکته اشاره می نمایند که عوامل

1) Werner and Smith, 1992 and 2001; Howe, 1995; Daniel et al., 1999.

تاب‌آوری درونی اگر با همدلی و همدردی و نگرانی و دغدغه برای دیگران همراه نباشد، منجر می‌شود که افراد قادر به تاب‌آوری در این موارد یعنی با شرایط استرس‌زا و استرس‌آور قادر به تاب‌آوری شوند اما برای دیگران غیر حساس و بی‌اعتنا و بی‌توجه می‌گردند. (مستن و کوست ورت ۱۹۹۸)^۱. با این وجود اینکه قادر باشیم با افراد و یا کنار آنها باشیم خود یک عامل درونی حمایتی محسوب می‌گردد و و این به طور شفاف و واضح در ارتباط با سرپرستی و تربیت و رشد و نمو کودک همراه می‌باشد. (دانیل و واسل ۲۰۰۲ بی)^۲ کودکان احتمالاً ارزش‌های مثبتی را برای دیگران در طی و در خلال روابط گرم و صمیمی از خود نشان می‌دهند در حالی که والدین یا دیگر مراقبان و متولیان منتخب و یا جایگزین رفتار مهربانانه را در نظر می‌گیرند و یا آن را به وجود می‌آورند و در جایی که آنها انتظارات شفاف و واضحی دارند، همچنین میتوانند به دیگران هم مهرورز و باعظوفت باشند. (زان -واکسلر و همکاران ۱۹۷۹ و شافر ۱۹۹۶)^۳.

عوامل خانوادگی

شواهدی در خصوص عوامل خانوادگی که ممکن است به تاب‌آوری کمک نماید، کماکان وجود دارد.

بسیاری از متون و نوشته‌ها به طور دقیق عوامل مرتبط با والدین را تعیین نموده‌اند که تحقیقات نشان می‌دهد که آنها تاب‌آوری روبه آینده را در کودکان ارتقاء و بهبود می‌بخشند، به دیگر سخن ظرفیت‌های کلی تطبیقی و سازگاری که معمولاً آنها را قادر می‌سازد که در زندگی

(Daniel and Wassell, 2002b1)

3) Zahn-Waxler et al., 1979; Schaffer, 1996(

به طور مطلوب و مناسب اقدام نمایند را ارتقاء می‌دهند. (پرینگل ۱۹۸۰ و پوق و همکاران ۱۹۹۵ و هووارد و جانسون ۲۰۰۰ و روزنتال و همکاران ۲۰۰۳).^۱

صمیمیت و گرمی، پاسخگویی و تشویق و ترغیب، تامین و فراهم سازی مدل-های مرتبط با نقش‌های کافی و منسجم، همگامی و سازگاری و وحدت نظر میان والدین، صرف زمان برای کودکان، ارتقاء استفاده سازنده و کارا از اوقات فراغت، راهنمایی‌های منسجم و سازنده، ساختار و قوانین در طی دوره بزرگسالی، همچنین نظام مرتبط با رشد و نمو و توسعه و تعلیم و تربیت کودک نه تنها به کودکان کمک می‌نماید که ظرفیت‌های درونی تاب‌آوری خود را افزایش دهند بلکه به طور مستقیم به آنها هم در تسهیل و آسان سازی واکنش‌ها در ارتباط با شرایط دشوار و سخت و ناامن و پیچیده مثل فقر، بیماری و وضعیت نامناسب جسمی و محرومیت و یا خشونت اجتماعی هم کمک کننده می‌باشد. (هوم پیر ۱۹۹۸ و روتر ۲۰۰۰ وی من و همکاران ۲۰۰۰ و مستن ۲۰۰۱).^۲ برای نمونه در یک مطالعه که در خصوص دانش آموزان مدرسه که خشونت اجتماعی را تجربه کرده بودند نشان می‌دهد که حمایت والدین به عنوان یک عامل قوی پیش بینی کننده تاب‌آوری در حوزه‌های خوداتکایی، سوء مصرف مواد و سوء رفتار در مدارس و نیز افسردگی، پدیدار گشته است. (اودونل و همکاران ۲۰۰۲).^۳

1) Pringle, 1980; Pugh et al., 1995; Howard and Johnson, 2000; Hammen, 2003; Rosenthal et al., 2003(

2) Humphreys, 1998; Rutter, 2000; Wyman et al., 2000; Masten, 2001(

3) O'Donnell et al., 2002

واکنش‌های بزرگسالان در ارتباط با استرس‌ها و عوامل فشارآور در زمانی که کودکان خانواده‌های حمایت محور و با ثبات داشته‌اند، بهتر نشان داده شده است. (دی‌هان ۲۰۰۲)^۱ در حالی که کودکان نه تا ده ساله به طرز بهتری با استرس‌های روزمره دست و پنجه نرم می‌کنند و طیف وسیعی از استراتژیهای تطبیقی و سازگارانه را در زمانی که مادران دلسوز و حمایت گر داشته‌اند از خود نشان می‌دهند. در محلات با نرخ بالای جرم‌های مرتبط با جوانان و سوءمصرف مواد کودکان از آن محیط‌ها و مشارکت‌ها بهتر در امان بوده‌اند و بهتر مورد حمایت و صیانت قرار گرفته‌اند و این در زمانی است که والدین آنها پرشور و با مهر و محبت و با عشق و علاقه و عاشق مطالعه و آموزش و یادگیری بوده‌اند. (هوکینز و همکاران ۱۹۹۹ و فرانس و کرو ۲۰۰۱)^۲.

در حالی که عوامل مرتبط با منابع خانوادگی که خود کمک کننده بوده‌اند در هنگام شرایط سخت و بحرانی و جدی هم مهم و جدی تلقی می‌شوند، ویژگی‌های خاصی البته در این زمینه متمایز می‌باشند. برای مثال سخت گیری‌ها و کاربرد مستمر و مداوم قواعد و مقررات و نیز خودآگاهی و شناخت‌های وسیع و نیز کنترل‌های پیرامون محل‌های رفت و آمد و نشست و برخاست کودکان به نظر می‌رسد که در حفاظت و حمایت کودکان از اثرات ناخوشایند و خطرناک رشد در محلات خطرناک موثر و سودمند است، در حالی که تعلیم و تربیت و رشد و نمو منعطف و سازگار به طور کلی در محیط‌های با میزان ریسک و خطر کمتر وجود دارد. (تیترون و همکاران و سیمان ۲۰۰۴)^۳.

1) de Haan, 2002

2) Hawkins et al., 1999; France and Crow, 2001(

3) Titterton et al., 2002; Seaman, 2004

در بزرگسالی صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مرتبط با والدین ارزش‌های مشترک والدین و ارتباطات مطلوب خانوادگی و نیز پاسخگویی آنها یعنی والدین در مواجهه با ارتباطات و روابط بسیار مهم و برجسته به نظر می‌رسند. واکنش‌های افراد جوان در مقابله با استرس‌ها در زمانی که آنها خانواده‌های با ثبات و حمایت‌کننده دارند، به طور مطلوب و بهتر می‌باشد. (ام سی کوبین و همکاران ۱۹۹۹ و دی‌هان ۲۰۰۲)^۱. از آنجا که مادران اغلب در خط اول مقابله و مواجهه با هر گونه دشواری و شرایط سخت و دشوار که کودکانشان در مواجهه با آنها هستند، می‌باشند، همراه کردن فعال و نیز مشارکت آنها توسط پدران اغلب برای تطبیق و سازگاری بهتر برای کودکان، مهم و برجسته می‌باشد. (الی زر ۱۹۸۶ و برس فورد ۲۰۰۰)^۲. افراد جوان در زمانی که فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با رشد و نمو و توسعه و تعلیم و تربیت کودک، مشوق و استقلال وجود داشته باشد و نیز نظم و انضباط موثر و تطبیق و سازگاری حمایت محور برای مقابله با واقعیت‌های مالی وجود داشته باشد و همچنین پیوندها و ارتباطاتی هم برای اجتماع و شبکه‌های اجتماعی وجود داشته باشد، بیشتر از خود تاب‌آوری را نشان می‌دهند. (گلیگان ۲۰۰۱)^۳. یک پژوهش مرتبط با کشور آمریکا نتیجه‌گیری خود را بدین طریق نشان می‌دهد که کودکان در محیط‌های با ریسک و مخاطرات بالا پنج دفعه بیشتر احتمال موفقیت دارند و این در زمانی حادث می‌شود که والدین آنها در فعالیت‌ها و اقدامات موثر و مفید در خانه و نیز مدیریت جهان بیرونی مشارکت داشته‌اند. (فرستنبرگ و همکاران ۱۹۹۹)^۴.

1) McCubbin et al., 1999, de Haan et al., 2002

2) Elizur, 1986; Beresford, 2000(

3) Gilligan, 2001

4) Furstenberg et al., 1999

علیرغم این موارد، لحاظ کردن بافت فرهنگی خانواده‌ها و نیز شکل‌گیری متفاوت خانواده‌ها، عقاید و باورها و نیز تمایلات و علاقه مندی آنها بسیار حائز اهمیت است. (ام سی کوبین و همکاران ۱۹۹۶ بارنز ۲۰۰۱ و اسچون و باینر ۲۰۰۳)^۱. پژوهش‌ها در خصوص خانوارهای آفریقایی-آمریکایی نشان دهنده آن است که تاثیرات مثبت ارتباطات خانوادگی مطلوب و گسترش یافته (بارنز ۲۰۰۱)^۲ و هویت نژادی قوی هم در مهارت‌های تطبیقی و سازگاران و نیز عملکردهای مرتبط با مدارس وجود دارد. (اریو و زیگلر ۱۹۹۵ و اوسیرمان و همکاران ۱۹۹۵ لورسن و ویلیامز ۲۰۰۲)^۳. فرهنگ هم یک مولفه مهم و برجسته و اثرگذار بر معناداری آماری عوامل مرتبط با استرسها از قبیل طلاق، معلولیت و یا مشکلات و مسائل مرتبط با حوزه سلامت می‌باشد (اوتار ۲۰۰۳)^۴.

شواهدی در خصوص تاب‌آوری در زمانی که والدین در شرایط سخت و بغرنج و دشوار اثرگذار هستند

برخی از والدین به شرایط سخت و دشوار که کودکان با آن مواجه هستند، تاثیر گذار هستند و توانایی کودکان را برای مواجهه به شرایط پیچیده و یا سخت و دشوار کاهش می‌دهند. از این رو دسترسی بزرگسالان به غیر از والدین برای مراقبت‌های تکمیلی و کمکی و یا دیگر حمایت‌ها به مساله مهم و برجسته تبدیل می‌شود.

جایگزینی برای مراقبت‌های والدین در زمینه رشد و نمو کودک و نیز حمایت‌های جبرانی و

کمکی

1) McCubbin et al., 1996; Barnes, 2001; Schoon and Bynner, 2003(

2) (Barnes, 2001

3) Arroyo and Zigler, 1995; Oyserman et al., 1995; Laursen and Williams, 2002

4) Luthar, 2003.(

شواهدی هم از مطالعات و تحقیقات در حال انجام با میزان متناسب جمعیت مورد تحقیق و نیز پژوهش‌های مرتبط موارد فردی حاکی از آن است که محرومیت جدی و شدید صمیمیت و گرمی احساسی و نیز مراقبت مبتنی بر پاسخگویی و نیز مشوق‌ها و تحریک‌ها برای رشد ذهنی، ارتباطات و روابط و رفتار بسیار آسیب‌زا می باشد (بالبی ۱۹۶۹ کلارک و کلارک ۱۹۷۶ روتر ۱۹۸۱)^۱. هنوز هم کودکانی که بدین دلایل کارکرد و یا عملکرد بهتری به لحاظ ذهنی و اجتماعی و احساسی از هم‌تایان و همسویان خود دارند، بازگشت موفقیت آمیزی‌تر، جدی‌تر و بهتری به زندگی دارند در زمانی که آنها در محیط سرشار از استانداردهای بهتر مراقبتی زندگی قرار می‌گیرند و این به طور خاص در زمانی که محیط جدید یک محیط خانوادگی سرشار از محبت و حمایت محور باشد و به همراه بازگشت به اقوام و خویشاوندان یا شرایط نگهداری و حضانت و مراقبت باشد، بیشتر نمود خود را نشان می‌دهد.

آنهایی که به شکل مطلوب و بهتری بازگشت موفقیت آمیز دارند دارای مولفه‌های ذیل می‌باشند:

ویژگی‌های شخصی و یا منابع درونی که آنها را قادر می‌سازد که واکنش مطلوب داشته باشند (شاید در این موارد ذاتی و ارثی باشد).

حمایت‌های جدی و مستمر/ صمیمیت/ آموزش در محیط جدید (کلارک و کلارک ۲۰۰۳)^۲.

(کلارک و کلارک ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳)^۱ تصریح می‌نمایند که تحقیقاتی که نشان دهنده چنین تغییراتی هستند جبرگرایی و جزم‌اندیشی را که سابقاً این تحقیقات برای تعیین و مشخصه

1) Bowlby, 1969; Clarke and Clarke, 1976; Rutter, 1981(

2) Clarke and Clarke, 2003(

بندی نوشته‌ها و آثار خود پیرامون کودکان به کار می‌گرفتند را از درجه اعتبار ساقط می‌نماید. شخصیت‌های آتی و توانایی‌ها و توانمندی‌های یک کودک در کودکی تعیین نمی‌گردد مگر این که شرایط مشابه کماکان به قوت خود باقی باشد.

برخی از شواهد جدی و مهم نیز از پژوهش‌های پیرامون حوزه پرورش و رشد کودک یا به نوعی حضانت کودک شکل گرفتند. شمار زیادی از مطالعات حاکی از آن است که کودکان با میزان سلامتی و رشد کم، در زمانی که والدین جدید اقتباسی (والدین عاریتی از مراکز و مکان‌های دیگر) می‌گیرند، بسیار به طور سریع و شتاب آمیزی پیشرفت می‌نمایند. (روترو و تحقیق مرتبط با گروه‌ای از ای (مصوبات حقوق برابر) ۱۹۹۸ ۲۰۰۰ گروه سلامت ۱۹۹۹ و کاستل و همکاران ۲۰۰۰).^۲

سن هم چنین یک عامل مهم در احتمال موفقیت در حوزه پرورش و حضانت هم محسوب می‌شود که این با یک میزان زیادی از شکست در زمانی که کودکان وارد سن هشت یا نه می‌شوند این اتفاق می‌افتد. (بریج ۱۹۹۶ کوینتن و همکاران ۱۹۹۸).^۳ حتی بازگشت موفقیت آمیز در اواخر کودکی هم بسیار دشوار است و این برای مراقبان آنها یک تفاوت معنا دار به لحاظ ترکیب کردن عشق، حمایت و نوع و کیفیت مدل بندی و نیز ارائه فرصت‌ها را فراهم می‌آورد. این هم چنین نقاط بسیار مهم و برجسته (نقاط عطف) را برای جوانان فراهم می‌آورد. برخی از اوقات سبب یک توالی و زنجیره مثبتی از رویدادها در یک زمان و یا در زمان‌های بعدی می‌گردد. (هوو ۱۹۹۵ شوفیلد و همکاران ۲۰۰۰ و کارینز ۲۰۰۲ و

1 Clarke and Clarke (2000, 2003)

2) Rutter and ERA Study Team, 1998, 2000; Department of Health, 1999; Castle et al., 2000.

3) Berridge, 1996; Quinton et al., 1998

شوفیلد (۲۰۰۲)^۱. برای برخی از جوانانی که تربیت مناسب و مساعد و مطلوبی را نداشته‌اند حمایت و تمایل و علاقه برای دوری از روابط منفی که با والدین نسبی (والدین ژنتیکی و اصلی) خود داشته‌اند، برای حصول پیامدها و نتایج خوب و مطلوب، بسیار مهم و جدی به نظر می‌رسد. (ویلیامز و همکاران ۲۰۰۱ و والکر و همکاران ۲۰۰۲)^۲.

در زمانی که مراقبت والدین نارسا و ضعیف باشد کودکان و جوانانی که حداقل یک رابطه اعتماد محور و حمایتی با یک بزرگسال خارج از خانواده اصلی خود داشته‌اند، بهتر قادر خواهند بود پیشرفت و توسعه را علیرغم مواجهه با مخاطرات و ریسک‌ها را حفظ نمایند و هم چنین می‌توانند به طور مطلوبی تغییر نگرش درباره سبک‌های زندگی مشکل آفرین را هم تجربه نمایند. (ورنر و اسمیت ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱)^۳ کودکان تاب آور در خانواده‌هایی که بامشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند اغلب به طور فعالانه دل بستگی خاصی را با بزرگسالان تاثیر گذار در محیط‌های اجتماعی خودشان شکل می‌دهند (والش ۱۹۹۸)^۴. بزرگسالان حمایت گر همواره اعضای شبکه‌های کودکان در مدارس و یا در اجتماعات هستند. اما برای این یک تخصیص غیر طبیعی و مصنوع یا جایگزین از یک فرد حرفه‌ای و متخصص در حوزه کاری و یا یک مربی می‌باشد که بسیار مهم و ارزنده خود را اثبات نموده است. (گلیگان ۱۹۹۹ ای ۲۰۰۱ و ویلیامز و همکاران ۲۰۰۱)^۵. بنارد ۲۰۰۱ سه ویژگی را که نشان دهنده افرادی می‌باشد که به جوانان در مواجهه با فشار روانی کمک می‌نماید:

-
- 1) Howe, 1995; Schofield et al., 2000; Cairns, 2002; Schofield, 2002
 - 2) Williams et al., 2001; Walker et al., 2002.
 - 3) Werner and Smith, 1992 and 2001
 - 4) Walsh, 1998
 - 5 (Gilligan, 1999a, 2001; Williams et al., 2001). Benard (2002

یک رابطه و یا ارتباط مراقبت محور، انتظارات زیاد، فرصت‌ها برای کمک و مساعدت و مشارکت

علاوه بر آن پژوهش‌های مربوط به کشور آمریکا اغلب عضویت در تشکلات باور محور(اعتقادی-دینی و...) را به عنوان عامل حمایتی و حفاظتی هم از طریق حمایت‌های معنوی و هم از طریق حمایت‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد.(ورنر ۱۹۹۶)^۱.

تاب‌آوری در ارتباط با خشونت‌های مرتبط با والدین، اعتیاد و افسردگی در زمانی که کودکان سوءاستفاده فعال و جدی و شدید را از جانب والدین خود تجربه می‌نمایند، بنا بر این آنها نیازمند عوامل ارتقاء دهنده تاب‌آوری به طور خاص هستند. برای نمونه (بالگر و پاترسون ۲۰۰۳)^۲ خاطر نشان می‌سازند که کودکانی که مورد سوء رفتار یا بد رفتاری قرار گرفته‌اند اما از اینکه خشن بشوند، جلوی آنها گرفته شده است عواقب و پیامدهای مطلوبی دارند.(سیگی و دوتان ۲۰۰۱)^۳ از یک تحقیق تطبیقی و مقایسه‌ای در خصوص کودکان مورد سوء رفتار قرار گرفته و نیز کودکانی که مورد سوء رفتار قرار نگرفته‌اند بدین گونه نتیجه گیری می‌نمایند که توانمندی و یا توانایی کلی در ارتباط با تاب‌آوری نشان داده شده است و با آن در ارتباط است. بنابراین به نظر می‌رسد که تاب‌آوری در کودکانی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند در ارتباط با توانایی آنها در اعمال کنترل آنها در رفتار و احساس خودشان مربوط می‌شود.

اگر این به طور انحصاری یا به صورت اصلی مشکلات یک والدین محسوب شود که آن شرایط وخیم و بد و خطرناک را به وجود می‌آورد (مثلا افسردگی، سوءمصرف الکل و خشونت) پس کیفیت رابطه یک کودک با دیگر والدین یا افرادی که قصد مراقبت از او را دارند

1) Werner, 1996

2 Bolger and Patterson (2003)

3 Sagy and Dotan (2001)

و نیز کیفیت توانمندی و توانایی حمایتی که آن والدین یا افرادی که قصد مراقبت از او را دارند، اغلب مهم و برجسته می‌شوند. (ولمن و ارفورد ۱۹۹۹ و هامن ۲۰۰۳).^۱ مراقبت‌های اولیه حساس محور و منسجم هم چنین سبب ارتقاء تاب‌آوری نهفته و بالقوه می‌شود که کودک را قادر می‌سازد که اگر مشکلات و سختی‌های والدین در زمان‌های بعدی اتفاق بیافتد آنها بهتر بتوانند تطبیق و سازگاری پیدا نمایند. (هلر و همکاران ۱۹۹۹).^۲ با این وجود فقدان و یا کمبود و نارسایی چنین مراقبتی با هرگونه والد یا مراقب اصلی یا جایگزین به معنای آن است که دیگر عوامل که در موارد قبلی به آنها اشاره شد برای تاب‌آوری مهم و برجسته در نظر گرفته می‌شوند.

دامنه تاثیر بر کودکانی که در خانواده‌های خشن زندگی می‌نمایند نیز اغلب فراوان و جدی است (هوم فریس ۱۹۹۸).^۳ در حالی که مادران قربانیان خشونت هستند آنها اغلب برای کمک به کودکان خود به طور موثر بسیار تحت تاثیر قرار می‌گیرند. (اریکسون و هندرسون ۱۹۹۸).^۴ تحقیقات کیفی در این مناطق نشان دهنده آن است که کودکان استراتژی‌های تطبیقی و سازگارانه‌ای را از خود بروز می‌دهند که والدینشان و دیگران از آنها مطلع و باخبر نیستند. (هاگ و همکاران ۲۰۰۲ ای ۲۰۰۲ بی مولندر و همکاران ۲۰۰۲).^۵ ارتباطات و روابط و نیز حمایت‌های سببی (مثلا خواهر و برادری و موارد مرتبط و پیوند محور نیز اغلب برای این موارد مهم و جدی می‌باشند. (هوم فریس ۱۹۹۸).^۶

1) Velleman and Orford, 1999; Hammen, 2003

2) Heller et al., 1999(

3) (Humphreys, 1998

4) Erickson and Henderson, 1998(

5) Hague et al., 2002a, 2002b; Mullender et al., 2002(

6) Humphreys, 1998(

برخی از این استراتژی‌های اتخاذ شده (شبيه به قطع وابستگی و یا دل بستگی و نیز انزوا و تنهایی) به کودکان در کوتاه مدت برای تطبیق و سازگاری آنها کمک می‌نماید، اما این به بهای شادمانی و رشد و نمو تمام می‌شود. (اریکسون و هندرسون ۱۹۹۸).^۱

کمک کننده‌های بالقوه (یا منابع کمکی بالقوه) کودکان را برای رسیدن به این اهداف دشوار یافته اند. (گروئین ۲۰۰۴).^۲ بنابراین دسترسی به یک بزرگسال حمایت کننده و حامی اغلب برای شانس کودک برای رشد بهینه و مطلوب در مواجهه با تجارب دردناک و خشونت بار بسیار مهم و برجسته می‌باشد. (روزنتهال و همکاران ۲۰۰۳).^۳

جوانان، به طور مطلوب تر و بهتری با سوء مصرف الکل (استعمال مواد الکلی) کنار می‌آیند و سازگاری و تطبیق پیدا می‌نمایند مشروط به اینکه، آن تنها به یکی از والدین مرتبط شود و نیز در زمانی که اوقات مطلوب و خوشی با والدینی که سوء مصرف الکل دارند، وجود داشته باشد. (لی برن و همکاران ۱۹۹۶ و لاما و ارفورد ۱۹۹۹).^۴ تاب‌آوری هم چنین با کودکانی که استراتژی‌هایی را به کار می‌گیرند که از برخی از اثرات مشروبات الکلی به دور باشند، هم در ارتباط می‌باشد برای نمونه؛ با دوستان و یا اقوام در زمان مشکل و سختی‌ها همراه می‌شوند.

هامان^۵ ۲۰۰۳ در مطالعه و پژوهش خود بر روی تبعات و پیامدهای (نتایج) افرادی که والدین افسرده دارند، هفت متغیر بالقوه حمایتی: خود پنداره مثبت، توانمندی یا ظرفیت

1) Erickson and Henderson, 1998.(

2) Gorin, 2004(

3) Rosenthal et al., 2003.(

4) Laybourn et al., 1996; Velleman and Orford, 1999(

5 Hammen (2003

اجتماعی، عملکرد مطلوب علمی، افسردگی کم از جانب مادر، فشارهای روانی مزمن با میزان کم، فقدان تشخیص از جانب پدر و نیز وجود پدر در خانه پیدا نمود.

عوامل محیطی

شواهد پیرامون عوامل محیطی و تاب‌آوری حول دو موضوع اصلی هستند:

عواملی که کودکان را از اثرات منفی که ناشی از شرایط دشوار و سخت در آن محیط می‌باشد، مصون و محفوظ نگه می‌دارند.

عواملی که محیط‌های گسترده و بزرگ‌تر می‌توانند از خود بروز و ظهور دهند بدین نحو که آنها برخی از کودکان را از اثرات آن شرایط دشوار و سخت و نامطلوب در خانه مصون و محفوظ نگه می‌دارند.

هر دوی ارتباطات دو سویه و بینابین و نیز خود محیط مدرسه نمونه‌های شگفتی هستند زیرا آنها بر این هدف تاکید دارند که در مقابل شرایط وخیم و نامطلوب از نظر محیطی و خانوادگی بایستند و از آن محافظت به عمل آورند. آنها به نظر می‌رسد که در یک فضای میان روابط خانوادگی و سطح اجتماعی قرار گرفته‌اند و هم می‌توانند اثرگذار باشند و هم می‌توانند تاثیر پذیر باشند.

بسیاری از پژوهش‌ها جنبه‌های حمایتی و حفاظتی روابط دو سویه و دو طرفه را مورد تاکید و توجه قرار داده‌اند. بوکوسکی^۱ ۲۰۰۳ خاطر نشان می‌سازد که آنها می‌توانند اثرات قدرتمندی بر سلامت کودکان و رفاه و بهزیستی و نیز خود ادراکات و نیز مهارت‌های اجتماعی و توانایی‌های شناختی آنها و هم‌چنین بر آموزش و رفتار آنها داشته باشند. بسیاری دیگر هم‌چنین در یافتند که دوستی‌ها و پذیرش دوسویه و متقابل نیز سبب حمایت‌ها و

1 . Bukowski(۲۰۰۳)

پشتیبانی‌هایی که در ارتباط با شرایط با میزان مخاطرات و ریسک‌های بالا می‌باشد هم می‌شوند (برای مثال هوجز و همکاران ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و کریس و همکاران ۲۰۰۲ و بوگنتال ۲۰۰۳)^۱. روابط مطلوب متقابل و دوطرفه هم چنین می‌تواند اثرات مخرب جدایی والدین و نیز سبک‌های نا هماهنگ و نامتقارن و نیز سبک‌های هرج و مرج محور را کاهش دهد. (بوگوسکی ۲۰۰۳)^۲. برای کودکان در اواخر کودکی خود که در وضعیت مراقبت دولتی قرار دارند و یا در مراحل و یا در وضعیت‌های اهانت مداوم و مستمر و یا این که عدم تطابق خانوادگی را تجربه نموده‌اند همراه شدن با یک رفیق و یا شریک حمایت کننده اغلب سبب یک تغییر به سمت عملکرد مطلوب‌تر و بهتر می‌گردد. (کوینتن و روتر ۱۹۸۸، فارینگتون ۱۹۹۶ و لامن و ارفورد ۱۹۹۹)^۳. یک پژوهش در خصوص کودکانی که با اختلالات جسمانی پزشکی دچار هستند نشان می‌دهد که روابط صمیمانه و موفقیت آمیز دوسویه و متقابل نیازمند برنامه ریزی بسیار فعالانه توسط والدین در چنین شرایطی می‌باشد. (بوگنتال ۲۰۰۳)^۴

مدرسه هم چنین یک نقش بارز و برجسته‌ای در تاب‌آوری که در ارتباط با هم فقر و هم مشکلات زندگی می‌باشد را دارد و این در تحقیقات مختلف نشان داده شده است. (ورنر و اسمیت ۱۹۸۷، گری ۱۹۸۸، کوبورن و نلسون ۱۹۸۹، مستن و کوست ورت ۱۹۸۸ و هاروارد و همکاران ۱۹۹۹)^۵. و این در ارتباط با انگیزه‌ها و مشوق‌های علمی و نیز دستاوردها و موفقیت‌های علمی و آموزشی، حمایت و راهنمایی از جانب معلمان و نیز فرصت‌هایی که برای ایجاد

1) e.g. Hodges et al., 1997, 1999; Criss et al., 2002; Bugental, 2003(

2) Bukowski, 2003 (

3) Quinton and Rutter, 1988; Farrington, 1996; Velleman and Orford, 1999(

4) Bugental, 2003(

5) Werner and Smith, 1987; Geary, 1988; Coburn and Nelson, 1989; Masten and Coatsworth, 1998; Howard et al., 1999

علائق و مهارت‌ها ایجاد شده است و نیز در دسترسی‌هایی که به هم‌تایان و همسالان و گروه-های هم‌جوار و نیز دیگر هویت‌های جایگزین که خارج از خانه شکل می‌گیرد، قرار می‌گیرد. هم‌چنین مشخص شده است که والدین کودک و یا فرد مراقب یعنی فردی که مراقبت را به عهده گرفته است می‌تواند علاقه‌ای را به تعلیم و دانش‌اندوزی در او ایجاد نماید و این به عنوان یک تغییر مسیر پیرامون آن مشکلات در دیگر جهت‌ها یا مسیرها از قبیل این که وی تحت مراقبت باشد و یا اینکه هسته و مرکزیت اصلی و تکمیلی و یا جبرانی برای موفقیت و یا خودارزشی باشد، در نظر گرفته می‌شود. (برلند و همکاران ۱۹۹۸ ای جکسون و مارتین ۱۹۹۸ م سی لین و گانیون ۲۰۰۳)^۱. در یک پژوهشی که درباره کودکان در معرض خشونت اجتماعی انجام گرفته است حمایت‌های مدرسه به نظر می‌رسد که یک عامل پیش‌بینی‌کننده قوی در زمینه تاب‌آوری رفتاری، علمی-تحصیلی و احساسی در نظر گرفته می‌شود. (او دونل و همکاران ۲۰۰۲)^۲. این پژوهش و دیگر مطالعات و تحقیقات نشان دهنده آن است که علاقه قوی والدین در آموزش و تعلیم کودک اغلب برای تاب‌آوری علمی و تحصیلی علی‌رغم فقر و مشکلات برون خانوادگی حائز اهمیت هستند. (جکسون و مارتین ۱۹۹۸ و اسکون و باینر ۲۰۰۳)^۳.

تحقیقات هم‌چنین نشان دهنده آن است که قدرت و توان شرایط ناگوار و دردناک و یا سخت و دشوار جدی در ارتباط با امکانات در محیط‌های محلی و بومی برای کودکان و یا برای خود والدین برای غلبه و توفیق بر آنها بسیار دشوار است. برخی از کودکانی که در مناطق ضعیف و محروم و فاقد امکانات زندگی می‌کنند نتایج نسبی مطلوبی را کسب نموده‌اند و این نشانگر برخی از ویژگی‌های تاب‌آوری فردی می‌باشد اما با این وجود آنها نتایج کلی ضعیف‌تر و

1) Borland et al., 1998a; Jackson and Martin, 1998; McLean and Gunion, 2003(

2) O'Donnell et al., 2002(

3) Jackson and Martin, 1998; Schoon and Bynner, 2003(.

کمتری را نسبت به کودکانی که فاقد خصیصه تاب‌آوری و در محیط‌های با میزان مخاطرات کمتر زندگی می‌کنند را از خود نشان می‌دهند. (سامروف و همکاران ۱۹۹۹ و اسکون و باینر ۲۰۰۳).^۱

عوامل مربوط به بعد اجتماعی با این وجود، در ارتباط با دیگر شرایط سخت و دشوار و دردناک به عنوان عوامل حمایتی و حفاظتی محسوب می‌شوند و حتی در ارتباط با موضوع فقر آنها اغلب خصایص مکمل و کمکی در محیط‌های بومی و محلی محسوب می‌شوند. (گات و هازل ۲۰۰۲).^۲ کودکان احتمالاً دسترسی به عوامل و منابع حمایتی را در خارج از خانواده در زمانی که در اجتماعاتی زندگی می‌کنند که در هم مرتبط (ارتباط با یکدیگر) و نیز منسجم می‌باشند) با میزان بالای سرمایه اجتماعی) و یا در محیط‌ها و مجموعه‌های رسمی که فرآیند مشارکت و موفقیت را تسهیل می‌کنند، بهتر حس می‌نمایند و آن را دست یافتنی‌تر می‌بینند. (رونیان و همکاران ۱۹۹۸ و باومن ۲۰۰۲ و لارسون و درمونت ۲۰۰۲).^۳ خدمات اجتماعی، مدارس، مجموعه‌های تفریحی، کلیساها، مراکز و مجامع و یا تشکلات به عنوان عوامل مثبت بسیار اثرگذار در واکنش‌های مطلوب و بهینه به فقر و مشکلات برون خانوادگی تعیین شده‌اند. (ری گرانت و همکاران ۱۹۸۹ و مستنو کوست ورث ۱۹۹۸ و پريلتانسکی و همکاران ۲۰۰۱).^۴ توانایی کودکان برای حضور و یا مشارکت در فعالیت‌های محله محور نیز در ارتباط و پیوند با

1

2) Ghate and Hazel, 2002(

3) Runyan et al., 1998; Bauman, 2002; Larson and Dearmont, 2002(

4) Rae-Grant et al., 1989; Masten and Coatsworth, 1998; Prilleltensky et al., 2001(

خود اثر بخشی و خود احترامی و یا خود ارزشی و نیز میزان کنترل آنها معنا می یابد. (گلیگان ۲۰۰۱ و واترستون و همکاران ۲۰۰۴).^۱

دیدگاه‌ها و نظرات مرتبط با کودکان

متاسفانه شواهدی اندک و کمی در خصوص روش‌هایی که کودکان و جوانان خودشان تاب‌آوری و شرایط نامطلوب و بغرنج و دشوار را مورد ملاحظه قرار می‌دهند، وجود دارد. هرچند موارد قابل توجهی در خصوص آنچه که آنها به عنوان تهدیدها پیرامون رفاه و آرامش خود و یا این که منابع کمک و مساعدت باشد، وجود دارد. (برای نمونه پژوهش برلند و همکاران ۱۹۹۸ بی را مورد ملاحظه قرار دهید).^۲ با این وجود، تنها یک نمونه مهم را مورد توجه قرار می‌دهیم، بسیاری از جوانان روش‌هایی را برای مواجهه و تطبیق و یا سازگاری با سوء استفاده جنسی به کار گرفته‌اند، و هنوز هم این مساله بسیار مهم می‌باشد که مداخلات افراد متخصص و درگیر در کار (حوزه اقدامات و فعالیت‌های عملی) می‌بایست این استراتژی‌ها و راهبردها را بفهمند و با آنها هم‌نوایی و هم‌سویی داشته باشند (اندرسون ۱۹۹۷).^۳ دو پژوهش که در خصوص تاثیرات سوء استفاده خانگی انجام شده است، از کودکان در مورد استراتژی‌ها و راهبردهای آنها سوال پرسیده شده است. هوگ و همکاران (۲۰۰۲ ای و ۲۰۰۲ بی)^۴ این مساله که به آنها گفته شود چه چیزی در حال رخ دادن است و نیز این که در تصمیم‌گیری آنها را دخیل می‌نماید که آیا می‌بایست خانه را ترک نمایند و یا اینکه می‌بایست به مراکز حمایتی مراجعه نمایند را کمک کننده می‌بینند. هم چنین به طور مشابهی (هومفریس ۱۹۹۸ صفحه

1) Gilligan, 2001; Waterston et al., 2004.(

2) see, for example, Borland et al., 1998b(

3) Anderson, 1997(

4 . Hague et al. (2002a, 2002b

۱۶۰) دریافتند که کودکان روش‌های خلاق و مبتکرانه و آگاهانه پیرامون حمایت از مادران خود را که شامل اقداماتی از جمله تماس با پلیس می‌باشد را در طی یک رخداد خشونت آمیز به کار می‌گیرند.

یک تحقیق مربوط به کشور استرالیا از کودکان نه تا دوازده ساله که در مناطق ضعیف و فقیر اقامت دارند در خصوص ادراک و شناخت آنها از زندگی سخت و دشوار، سوالاتی پرسیدند (هوورادو جانسون ۲۰۰۰)^۲. آنها والدین را به عنوان افرادی که مهم‌ترین نقش را در کمک به کودکان در اینکه به خوبی فعالیت و اقدام نمایند، شناختند و هم چنین بر اهمیت والدین و معلمانی که از کودکان برای اینکه یادگیرندگان خوب و قابل‌باشند، حمایت نموده‌اند، تأکید داشتند. کودکان کمتر در خصوص نقش اجتماع گسترده، صحبتی به میان آورده‌اند. اما برخی از آنها گفته‌اند که تاب‌آوری به واسطه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماع محور و یا نگرش‌های حمایت محور که بزرگسالان در مناطق محلی و بومی، از خود نشان می‌دهند، ارتقاء و بهبود یافته است. یک بررسی و مطالعه بین‌المللی در خصوص تاب‌آوری نشان گر آن است که کودکان بر افراد دیگری برای تطبیق و سازگاری و مواجهه با شرایط دشوار و سخت اتکاء می‌نمایند، در حالی که کودکان بزرگتر و بزرگسالان بیشتر از دانش شخصی خود و نیز مهارت‌های فردی خود استفاده می‌نمایند (گرات برگ ۱۹۹۷)^۳.

لوتار و براک (۲۰۰۰)^۴ در عین حال مشاهده نمودند که جوانان موفقیت را در حوزه و بافتار روابط فعلی و فعالیت‌های خود ارزش گذاری می‌کنند (که این می‌تواند شامل عضویت در

1 , Humphreys (1998, p. 160

2) Howard and Johnson, 2000(

3) (Grotberg, 1997

4 Luthar and Burack (2000

گروه‌های تبهکار و یا دیگر فعالیت‌ها و اقدامات مجرمانه باشد)، هرچند که آنها با در نظر گرفتن چشم‌اندازها و موارد مرتبط با آینده می‌توانند مضر و غیر کمک کننده باشند. هم چنین این بحث هم مطرح گردیده است که حوزه ادبیات تحقیقات مرتبط با تاب‌آوری بر آن است که فعالیت‌ها و اقدامات، تمایلات، امیال و آرزوهای جوانان را که به دنبال روش‌هایی برای بقاء و زنده ماندن در شرایط دشوار و سخت هستند را نادیده بگیرد و یا اینکه آنها را بی‌ارزش نماید که اینها ممکن است در بر گیرنده رفتار ضد اجتماعی هم باشد. (انگار ۲۰۰۴ ای) ^۱.

از میان بیشمار مزایایی که در خصوص رویکردهای تاب‌آوری در حوزه‌های نظریه، پژوهش و اقدامات و فعالیت‌ها یا به طور کلی عملیات‌ها، می‌توان به این موضوع اشاره داشت که رویکردهای مورد نظر، از بد بینی و نگرانی و ناامیدی و نیز جبر گرایی گریزان هستند و به مقابله با آنها می‌پردازند. آنها توجه، تمرکز و نگاه خود را از مشکلات و معضلات و حوزه آسیب شناسی و دیگر نقاط منفی و بدبینانه و تخریب کننده برداشته‌اند و آن را به سمت و سوی نکات قوت و مثبت و نیز حوزه فرصت‌ها روانه کرده‌اند. راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های و برنامه‌های آموزشی خاص که مبتنی بر شواهد و مشاهدات قوی می‌باشند نشان دهنده عوامل و فرآیندهایی می‌باشند که موید این مطلب هستند که والدین و افراد متخصص و کارشناس می‌توانند برای اصلاح و تغییر شرایط دشوار و سخت خود کودکان و یا والدین سرمایه گذاری نمایند. و این سبب تقویت انرژی، نیرو و توان در کارشناسان و افراد متخصص می‌شود و برای کاربران و استفاده کنندگان از خدمات هم خوشایند و دل چسب می‌گردد به نحوی که آنها را بسیار قابل احترام‌تر و کمتر در معرض انگ زنی اجتماعی قرار می‌دهد و نیز آنها را بسیار آینده نگرانه‌تر و نیز خلاق‌تر برای حل مسائل و مشکلات آماده می‌نماید. (والش ۱۹۹۸ شولت و

1) Ungar, 2004a.(

همکاران ۱۹۹۹ و سالی بی ۲۰۰۲).^۱ تمرکز و اهداف هم به سمت و سوی هردوی منابع درونی و منابع بیرونی و نیز ساخت تاب‌آوری و نیز کاهش مخاطرات کشیده شده است. (مستن و پوول ۲۰۰۳).^۲ تاب‌آوری، در نتیجه همراه با منافع و مزایای در دسترس به سمت رویکردهای مثبت برای حمایت از خانواده‌ها به مسیر رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد. (دانیل و واسل ۲۰۰۲).^۳

-
- 1) Walsh, 1998; Scholte et al., 1999; Saleeby, 2002(
 - 2) (Masten and Powell, 2003
 - 3) Daniel and Wassell, 2002a(

منبع:

Parenting and Resilience : Malcolm Hill, Anne Stafford, Peter Seaman, Nicola Ross and Brigid Daniel

ترجمه و گردآوری: فاطمه محمدی_مددکار اجتماعی
انتشار یافته در مجموعه رسانه های مددکاری اجتماعی ایرانیان